

لزوم همت همگانی برای چاق شدن چپق بادگیر دست در دست هم دهیم به مهر

حسام الدین اسلاملو

گزارش

خطاست.

برای مثال بخشی از بازار قدیم سیرجان را سقف ایرانیت زده‌اند که کار بس اشتباهی بوده و چهره‌ی بدی به بازار داده است. همچنین جنس و شکل مصالح انتخاب شده باید تا جایی که شدنی است همانی باشد که در بدنه‌ی سازه‌ی تاریخی مدنظر در قدیم استفاده شده بوده. مثل انتخاب آجری هم‌رنگ و شکل و اندازه با نقوشی همسان. همین‌طور در حریم بصری آن اثر باستانی یا تاریخی تا حد امکان نباید ملزومات مدرن به کار برد که در ذوق بیننده نخورد. مثلا همسایگان مجاور اثر تاریخی حق استفاده از هر نمایی برای مغازه یا خانه‌شان را ندارند و در نما باید هارمونی جنس و رنگ اثر تاریخی مدنظر باشد. اینکه دیوارشان کاهگلی یا آجری باشد یا اگر شهرداری در فضای سبز مجاور آن اثر تاریخی نیمکت و تیرچراغ نصب می‌کند، سعی کند این‌ها را کلاسیک انتخاب کند و بررسی کرده باشد که در زمان احداث آن اثر تاریخی مثلن چه طور تیرک روشنایی‌ئی در شب بوده و نشیمنگاه عابران چطور بوده است؟ مهمتر از همه اینکه هنگام مرمت یک اثر تاریخی بد نیست اگر عکسی از ایام قدیم آن اثر وجود دارد یا قابل یافت است که از نظر زمانی نزدیک شکل ابتدایی و بدون دستکاری‌های بعدی در آن اثر بوده، مورد استفاده قرار بگیرد. در این مورد مرمت سابق

بادگیر چپقی بدون توجه به این عکس‌ها انجام شد. در عکس هم می بینید که درهای اتاق‌های سازه کجاها نصب بوده است و جنس و شکلشان چیست. بهتر است در مرمت جدید این موارد دیده شود.

تعیین کاربری اثر تاریخی

پس از مرمت یک اثر اگر برای آن کاربری مشخصی تعریف نشود و اثر دوباره به حال خود رها شود، انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته. خیلی زود تخریب‌های انسانی و طبیعی دوباره به سراغ اثر آمده و همه‌ی زحمات‌ها را به باد می‌دهد.

انتخاب یک کاربری برای اثر نیز به نیازها و ظرفیت‌ها و امکانات موجود در آن اثر و میراث‌مونس بستگی دارد.

برای اینکه گردشگران به دیدن اثر تاریخی بیایند نیاز است که هم آن اثر محل ارائه‌ی چیزی باشد مثل موزه لوازم زندگی یا پوشاک قدیم سیرجان صد سال پیش و در کنارش فروشگاه‌هایی مربوط به صنایع دستی و سوغات آن شهر و همین‌طور شربتخانه و محلی برای لختی نشستن و آسودن گردشگر. بدون در نظر گرفتن این موارد هر مرمتی کاری ابتر است و به بن‌بست می‌خورد. این همه نیز همت و همیاری همه را از سرمایه‌گذار خود اثر تاریخی تا میدان‌داری شهرداری‌ها و اداره میراث فرهنگی و کمیته‌ی نما در شورا و شهرداری و سازمان پارک‌ها و فضای سبز و اصناف را می‌طلبد.

این روزها که بادگیر چپقی با هزینه‌ی شرکت گهرزمین در حال مرمت است، چند نکته از این معنی برای گفتن ضروری به نظر آمد که از سر تجربه است که بزرگان گفته‌اند، آزموده را آزمودن خطاست و عاقلان از یک سوراخ دو بار نیش نمی‌خورند.

گاهی تشویق از نقد موثر تر است

به قول معروف: «همیشه شعبون، یک بار هم رمزون.» همیشه رسانه‌ها مشغول ایراد گرفتن و نقد کردند. خیلی هم خوب است. اما افراط در این کار، گاهی نتیجه‌ی عکس می‌دهد و موجب رواج بی‌عملی در هر حوزه می‌گردد چرا که مسئولان امر با خود می‌گویند چه کاری بود کردیم و برای خودمان مدعی تراشیدیم. همان بهتر که نه چک بزنییم و نه چونه. اون طور که کمتر بهمان نقد می‌شد. بنابراین می‌بینیم که در عمل گاهی افراط در انتقاد به پدیده‌ای ضد هرگونه توسعه و پیشرفت تبدیل می‌شود و مروج هرگونه رکود و بی‌عملگی و حفظ شرایط موجود. مثال این ماجرا همین مرمت بادگیر چپقی‌ست که پیش از این یک بار هم در زمان فرمانداری منصور مکی‌آبادی مرمت شد. شخص فرماندار وقت تاکید ویژه‌ای روی حفظ میراث فرهنگی سیرجان و تبدیل این پتانسیل به نوعی مزیت اقتصادی در صنعت گردشگری داشت.

حفاری برای شناخت علمی‌تر قلعه‌سنگ در زمان همو اتفاق افتاد و او بود که با چانه‌زنی یک بودجه برای مرمت پشت‌بام بازار و حفاری قلعه‌سنگ و مرمت بادگیر چپقی از مرکز گرفت. اما بعد از مرمت بادگیر چپقی رسانه‌ها بدون داشتن شناختی فنی از دانش مرمت، با تیرهای عوامانه‌ای مثل: «بادگیر چپقی عروس شد» عملاً فرماندار وقت را از کرده پشیمان کردند. همین دلسردی را نیز اخیراً یک رسانه‌ی مجازی با یکه به قاضی رفتن و قضاوت عجولانه در دل گهرزمین به عنوان سرمایه‌گذار مرمت بادگیر چپقی کاشت. پس متوجه عواقب و پیامد انتشار هر محتوایی باشیم تا دست در دست هم دهیم به مهر و میهن خویش را کنیم آباد.

مرمت با حفظ اصالت

در هر مرمتی اصل در حفظ اصالت یک بنای تاریخی است. حفظ اصالت به این معنا که از مصالح ساختمانی جدید تا حد امکان استفاده نشود مگر به اضطرار و به شرطی که به چشم نیاید. مثلاً از بلوک سیمانی یا سنگ گرانیت و آلومینیوم و... بهره گرفتن

